

بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی

رمضانعلی عبدی^۱، حمیدرضا کاشف^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۲۵

از صفحه ۳۹ تا ۵۵

چکیده

هدف این مقاله، بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی است. سوال اصلی این است که چه راهکارهایی را می‌توان برای گسترش همکاری و مشارکت شهروندان تهرانی با نیروی انتظامی در اجرای طرحهای مقابله‌ای با آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد نمود. برای دستیابی به پاسخ این سوال و اهداف مورد نظر تحقیق از نظریه‌های لیست، دال، سیلز و لرنر استفاده شد. با بهره‌گیری از این نظریه‌ها سه فرضیه مطرح گردید که متغیرهای مستقل آن عبارت بودند از: میزان آگاهی شهروندان از محتوای طرح امنیت اجتماعی، نحوه عملکرد پلیس در اجرای این طرح و دست‌آورد اینک شهروندان تهرانی چقدر اجرای این طرح را متناسب با منافع خود ارزیابی می‌کنند.

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با ۴۷ سوال بود. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای انجام شد و حجم نمونه ۴۲۱ نفر (۶۵٪ مرد و ۳۵٪ زن) است.

تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری انجام شده است. یافته‌ها تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل این تحقیق با متغیر وابسته (میزان مشارکت شهروندان) در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنادار آماری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، طرح ارتقای امنیت، آگاهی، منافع

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی، گرایش تهدیدات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول).

ramezanal_i_abdi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری امنیت داخلی دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۵ فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ انتظامی به منظور بسط امنیت اجتماعی و اخلاقی تصمیم گرفت تا در سال ۱۳۸۶ طرح ارتقای امنیت اجتماعی را برای آسیب‌ها و جرایم اجتماعی در شهر تهران اجرا نماید و آماج آن عبارت بودند از: ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران، گسترش بدپوشی و رواج مدل‌های غیر وطنی پوشش، اراذل، اوباش و اشرار، دستبرد به اموال مردم، توزیع مواد مخدر و داروهای روان گردان، رواج تصاویر مبتذل و خلاف اخلاق، خشونت و آزار (الیاسی و رادان، ۱۳۸۷).

کارگزاران امنیت اجتماعی بهتر است به این نکته توجه داشته باشند که امنیت بایستی به تعداد جمعیت یک جامعه قابل تقسیم باشد. اگر فقط نیروی انتظامی بخواهد امنیت ایجاد کند قطعاً موفقیت چندانی حاصل نخواهد شد، از این رو عموم مردم باید در تولید امنیت اجتماعی نقش داشته باشند. مطالعه مشارکت اجتماعی شهروندان در امنیت جامعه و چگونگی ایفای نقش‌های آنان می‌تواند به ارزیابی استحکام و ثبات انضباط اجتماعی کمک چشمگیری نماید و عوامل موثر بر تقویت یا تضعیف آن را روشن سازد. مطالعه حاضر با تمرکز روی رفتار مشارکتی مردم در طرح امنیت اجتماعی سعی در تحلیل این رفتار در فرآیند نظم و انضباط شهری دارد. شناسایی این رفتار می‌تواند به شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری آن کمک شایسته نماید. از طرفی پابندی و مشارکت مردم در نظام اجتماعی و شهری می‌تواند ضامن بقای امنیت و آرامش شود.

زمانی که نرخ وقوع آسیب‌های اجتماعی فزونی یابد برای از میان راندن کجروی‌های موجود و پیشگیری از وقوع و بروز ناهنجاری‌های احتمالی آتی، ناگزیر باید طرح‌های فراگیر و پرشمولی را به سامان رساند. حضور معنادار و لگرد و پرخطر در معابر و اماکن عمومی و احساس نگرانی از توزیع مواد مخدر توسط مواد فروشان گسترش پدیده‌های انحرافی و غیر اخلاقی و ضد اجتماعی چون بی‌حجابی، مزاحمت برای نوامیس و اراذل و اوباش باعث شده تا پدیده‌های مورد برخورد در طرح امنیت اجتماعی از حالت فردی و گروهی خارج شده و به یک مساله اجتماعی تبدیل شود و عدم مقابله جدی با آنها اغلب شهروندان را دچار «احساس ناامنی» نماید. بنابراین اجرای این طرح جهت ایجاد و بسط امنیت اجتماعی و نیز هموار ساختن زمینه‌های رشد و تعالی جامعه و فرابالیدن روانی و اجتماعی شهروندان ضروری می‌نماید.

پس از یکسال اجرای طرح امنیت اجتماعی و علی‌رغم دستیابی به نتایج خوب و مردم‌پسند و کاهش آمار جرائم مشمول طرح امنیت اجتماعی، بنظر می‌رسید این طرح هزینه‌های هنگفت مالی و فشار روانی فوق‌العاده‌ای را بر مجموعه نیروی انتظامی وارد نموده است که تداوم آن بدون همیاری و مشارکت مردم می‌تواند از یکسو مقدار این هزینه‌ها و فشارها را افزون نماید و از سوی دیگر از میزان کارآمدی و اثرگذاری طرح بکاهد. از این رو تعدادی از کارشناسان ناجا ضرورت توجه به مقوله مشارکت شهروندان در اجرای طرح امنیت اجتماعی را مورد دقت نظر قرار دادند. این پژوهش نیز به نوبه خود درصدد است گامی کوچک در مسیر یاری‌رسانی پلیس از سوی مردم بردارد و می‌کوشد تا راه‌های ساخت یافته و منظمی را برای مشارکت شهروندان با پلیس در اجرای این طرح بیابد و مجراهایی را ایجاد نماید تا ساکنان شهر تهران بتوانند از این طریق در ساختن محیطی امن و آرام شریک باشند. در انتها به بعضی از اهداف این تحقیق می‌پردازد:

۱. شناخت راهکارهای مشارکت مردم با ناجا در ارتقای طرح امنیت اجتماعی
۲. ایجاد بستری برای توسعه و مشارکت مردم در اجرای طرح امنیت اجتماعی
۳. آشنایی با دیدگاه‌های مردم درباره عوامل تاثیرگذار بر مشارکت آنان در راستای اجرای طرح امنیت

مبانی نظری پژوهش

الف) تحقیق اسکوگان و همکاران (۱۹۹۴) درخصوص بررسی نقش مشارکت شهروندان در برنامه‌های مراقبت پلیسی همگانی در شیکاگو انجام بیان می‌کند: پلیس و شهروندان جامعه باید شیوه‌های جدیدی را به منظور همکاری با یکدیگر شکل دهند. این شیوه‌های نوین باید در فضایی مطرح شوند که هم پلیس و هم مردم بتوانند به طور مشترک مسائل را شناسایی کنند، راه حل‌ها را پیشنهاد نمایند و تغییرات لازم را به انجام برسانند. طی چهارده ماه اجرای برنامه که در واقع آزمایشگاهی برای آزمون نقش عموم مردم در مراقبت‌های پلیس فراهم شده بود، نشان داده شد که سطوح مشارکت سازمان یافته در نواحی اصلی به طور معناداری بالاتر از نواحی کنترل است (اسکوگان، ۱۹۹۴: ۱۸۳).

ب) یافته‌های پژوهشی غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» در استان مازندران نشان می‌دهد که عوامل فردی و اجتماعی (سن، جنس، تحصیلات پایگاه اجتماعی، اقتصادی و ...) با نسبت‌های مختلفی بر میزان گرایش افراد به مشارکت در برقراری امنیت تاثیر می‌گذارند به طوری که در این زمینه:

■ رابطه مثبت و معنی داری بین سن با میزان گرایش به برقراری امنیت وجود دارد.
■ هیچ گونه تفاوتی بین دو جنس (زن و مرد) از لحاظ میزان گرایش به تامین امنیت وجود ندارد (خوش فر، ۱۳۸۰؛ صص ۵۵-۱۴۸).

ج) در مقاله ای که با عنوان امنیت عمومی در پرتو مشارکت مردمی و به همت نمایان و جلالی (۱۳۸۴) نوشته شده، بر تاثیر متغیر ایجاد آگاهی بخشی به شهروندان از سوی مسولین، آگاهی شهروندان از حقوق فردی و اجتماعی، آگاهی از خطرات و تهدیدها و وضوح مسئولیت ها تاکید دارد و می افزاید که اطلاع و آگاهی زمینه ساز کشش عاطفی و ایجاد انگیزه در کنش اجتماعی است (نمایان و جلالی، ۱۳۸۴؛ صص: ۸۱-۵۷).

د) تحقیقات لوتز و دیگران (۲۰۰۲) نشان می دهد که افزایش رفتارهای ناهنجار در جامعه و عدم مقابله با افراد ضداجتماع (نظیر اراذل و اوباش) سهولت عرضه مواد مخدر توسط مواد فروشان و نیز عدم حضور پلیس در مراکز و اماکن عمومی شهر موجب افزایش نرخ وقوع انواع جرائم در جامعه می شود. به همین سبب نیروی انتظامی برای فرو کاستن از دامنه وقوع انواع جرائم در سطح شهر نیازمند مشارکت شهروندان در این طرح و سایر فعالیت های کاری خود است.
فرضیه های تحقیق عبارتند از:

۱. سطح آگاهی مردم از محتوای طرح امنیت اجتماعی با میزان مشارکت آنان با پلیس در اجرای طرح رابطه دارد.
 ۲. نحوه عملکرد پلیس در برخورد با جرائم مرتبط با طرح ارتقای امنیت اجتماعی با میزان مشارکت مردم با پلیس رابطه دارد.
- چنانچه مردم اقدامات پلیس در اجرای طرح امنیت اجتماعی را در پیوند با منافع عمومی خود ارزیابی نمایند مشارکت آنان در اجرای طرح افزایش خواهد یافت. بنابر مطالعات لیست گروه های درآمدی بالا اغلب، نه تنها تحصیلات بیشتری دارند بلکه فعالیتهای شغلی شان به گسترش اطلاعاتشان تداوم می بخشد. از طرف دیگر کارمندان عادی و صاحبان مشاغل یدی فرصت ناچیزی برای کسب اطلاعات و دیدگاهی وسیع در اختیار دارند. از این نظر زنان خانه دار نیز در وضع نامساعدی قرار دارند، واقعیتی که می تواند میزان پایین رای دادن زنان را تا حدودی توجیه نماید (لیست، ۱۹۹۷؛ ص ۲۰۱).

بطور کلی اعضای مشاغلی که در بسیاری از نقشها و فعالیتهای خود ملزم به کنشهای متقابل درون گروهی زیادی هستند و با دانش و مهارتهای مربوط به اداره مسائل بزرگ سر و کار دارند؛ بالقوه آگاه تر هستند، بیشتر رای می دهند و پیوند



بیشتری با سازمانهای مرتبط با مسائل شغلی مثل اتحادیه‌های کارگری و سایر عناصر اجتماعی دارند.

فعالیت‌های خاص شغلی نه تنها بر مشارکت افراد در شبکه ارتباطی سازمان یافته جامعه و از این طریق بر آگاهی او نسبت به موضوعات سیاسی تاثیر دارند، بلکه بر توانائی فرد برای درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی هم موثرند، در این زمینه ماکس وبر، حقوق دانان و پزشکان را مقایسه می‌کند که گروه اول به اقتضای حرفه شان آمادگی و شایستگی بیشتری برای وارد شدن در سیاست پیدا می‌کنند.^۱

رابرت دال (۱۳۶۴) پس از ارائه تصویری از عدم علاقه افراد نسبت به سیاست یک مدل تبیینی روانشناسی اجتماعی و مبتنی بر رویکرد رفتار گرایی مطرح می‌کند. دال در تبیین میزان مشارکت در جوامع جدید، قضایای زیر را مطرح می‌کند:

۱. اگر مردم در ارزشیابی‌های خود متوجه شوند پاداشی که از برخی درگیری‌های اجتماعی به دست می‌آید از پاداش دیگر فعالیتها ناچیزتر باشد، آنها حتما خود را کمتر در آن امور درگیر خواهند ساخت.
۲. هر گاه انسان فکر کند فعالیت و مشارکت او در امری بی اهمیت بوده و نمی‌تواند منشاء تغییرات گردد هرگز وارد آن نمی‌شود.
۳. هر گاه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنها برخی اقدامات و کارها توسط دیگران رضایت آنان را تامین می‌کند احتمال مشارکتشان در آن امور کم خواهد شد. همچنان که اعتماد ناچیز به کارایی سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مانع مشارکت آنان می‌شود.
۴. هر گاه شخص فکر کند دانش او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در امور سیاست و اجتماع به کارایی کافی برسد، ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت نماید.
۵. بالاخره هر چه مشکلات وارد شدن در برخی فعالیتها بیشتر باشد، احتمال مشارکت در آن کمتر خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را هم متحمل گردد. ولی وقتی ببیند یا معتقد باشد که پاداشها ناچیز بوده یا اصلا وجود خارجی ندارند کافی است معمولی‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مایوس و از دنبال کردن آن اجتناب نماید. دال پس از ذکر دلایل فوق برای عدم تمایل به برخی فعالیتها، آنها را به صورت معکوس در ارتباط با افزایش احتمال مداخله و مشارکت فرد در آنها چنین خلاصه می‌کند:

۱. Dal Theoretical Model

۱. فرد به پاداش‌ها یا مزایای حاصله از آن ارزش بسیار قائل باشد.
۲. تصور کند راه‌هایی که به این ترتیب ممکن است پیش‌پیش قرار گیرد خیلی مهمتر از راههای دیگر است.
۳. از خودش مطمئن باشد که حتما می‌تواند در نتایج تصمیمات تاثیر گذارد.
۴. معتقد باشد که اگر خودش خوب عمل نکند نتایج کارها چندان رضایت بخش نخواهد بود.
۵. در مورد مسئله موردنظر یا واقعا دانش و مهارت کافی داشته باشد یا لااقل فکر کند از چنین آگاهی و دانشی برخوردار است.
۶. ببیند که برای پرداختن به عمل و مشارکت در امری نایستی از موانع و سدهای چندان بگذرد.

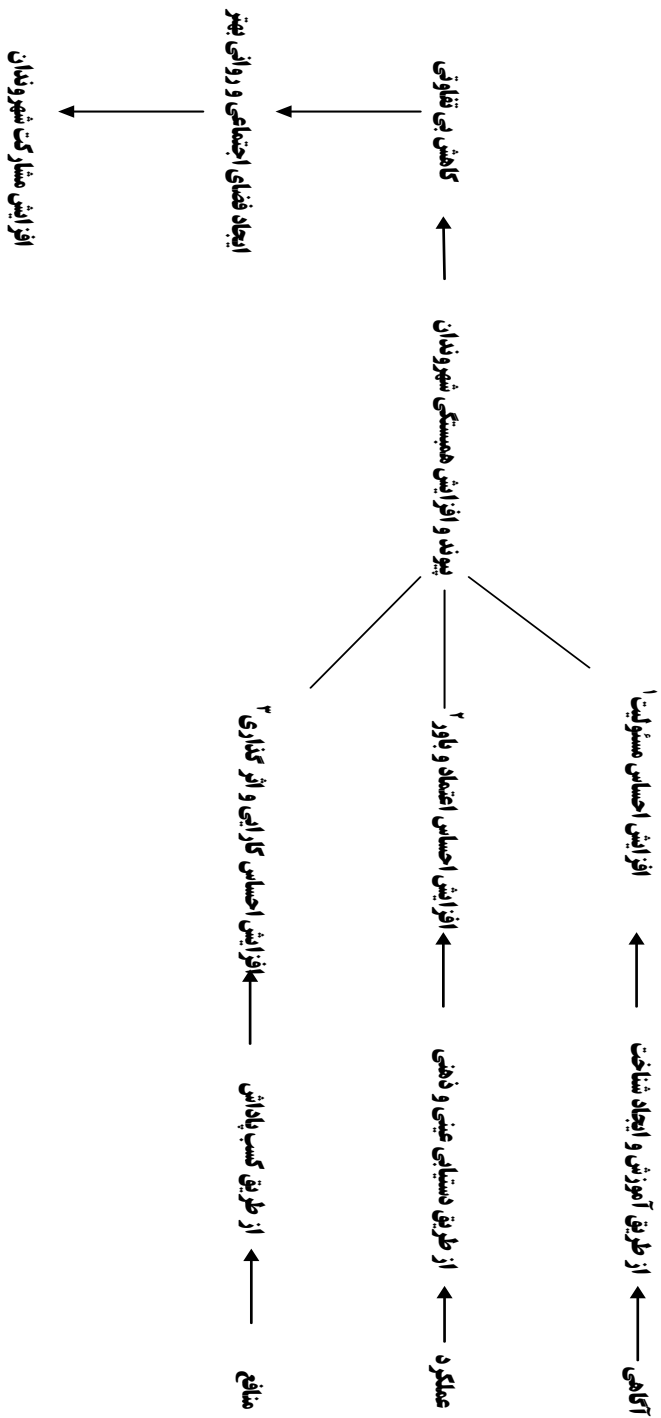
سیلز متذکر می‌شود بیگانگی ممکن است منجر به عدم مشارکت شود و عدم مشارکت نیز می‌تواند موجب بیگانگی شود و یا ممکن است هر دو با متغیرهای پایه‌ای تری همچون جهالت که ترس و عدم اعتماد را موجب می‌شود و پرهیز از موقعیت‌هایی که ترساننده جلوه می‌کنند؛ رابطه داشته باشند. رابطه مشارکت با احساس تاثیر گذاری واقعی یا تصویری نیز همانند رابطه مشارکت و بیگانگی دو طرفه است.

وی خاطر نشان می‌سازد این متغیرهای روانشناختی از طریق گروههای مرجع بر فرد تاثیر می‌گذارند. بسیاری از ارزش‌ها و عادات مشارکت بتدریج در خانواده القاء می‌شوند و به وسیله همسالان و سایر گروههای اولیه مورد حمایت قرار گرفته و نگهداری می‌شوند. هر کدام از این گروهها که مشارکت برایشان با اهمیت باشد، در قبال مشارکت به اعضایش پاداش می‌دهد و در قبال عدم مشارکت آنها را تنبیه می‌نماید. این کار با اعطا کردن و یا دریغ داشتن عواطف و تائیدها نسبت به آنها صورت می‌گیرد. تاثیراتی که توسط گروههای مرجع مختلف فرد مشخصی بر او اعمال می‌شود، بسته به میزان همخوانی و هماهنگی بین این گروهها، ممکن است در طول یکدیگر باشند و یا یکدیگر را خنثی نمایند. تضاد یا فشار متقاطع در بین گروههایی که فرد عضو آنهاست ممکن است الگوهای تقویت را کم تاثیر کند و یا بقدری فرد را ضعیف گرداند که از شرکت امتناع ورزد و یا از سایر روش‌های مشارکت دوری گزیند. همچنین فشار متقاطع ممکن است ناشی از داشتن علایق متضاد، کوشش در جهت خدمت به علایق و منافع متضاد و یا حمایت کردن از عقایدی که آشکارا با واقعیت توافقی ندارند؛ باشند.

مفهومی که دانیل لرنر برای سنجش مشارکت به کار می‌گیرد همدلی است.

همدلی مفهومی روانشناختی - اجتماعی است و بنابر تعریف عبارت است از « اقدامی در جهت ارتباط با دیگران به منظور درک من دیگر یا به عنوان یک فرد دیگر و در جهت پیش بینی حدود و تواناییهایش. او بیشتر متوجه رابطه سه متغیر مشارکت، تحرک روانی و توسعه است. در واقع مشارکت را علت پیدایی ویروس ذهنی و تحرک روانی در جامعه می داند. به نظر او با ایجاد تحرک روانی می توان به ساخت شخصیت پویا و فعال با قدرت انطباق، ابتکار و نوآوری نایل آمد.

لرنر ابتدا به مکانیسم افزایش مشارکت در جامعه که منجر به تحرک روانی می گردد؛ اشاره کرد. او در مطالعه ای که در شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد بین متغیرهای شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه ها و مشارکت ارتباط معنی دار و نزدیکی یافت. به نظر او نوسازی با این چهار متغیر وابسته و مرتبط است. به نظر لرنر سه متغیر شهرنشینی، گسترش سواد و دسترسی به رسانه ها قابل اندازه گیری است در حالی که متغیر مشارکت تا حدی ذهنی است و اندازه گیری آن مشکل است. به عقیده لرنر جامعه جدید جامعه مشارکتی یا مشارکت جو است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی است. مشارکت در زمینه سیاسی بصورت شرکت در انتخابات، در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد و مشارکت فرهنگی بصورت استفاده از رسانه ها و مشارکت روانی بصورت همدلی و حرکت روانی جلوه می کند. به عقیده لرنر تحول جامعه غیر مشارکتی به جامعه مشارکتی پیامد منظم تغییر در سه جنبه است: شهرنشینی افزایش می یابد، این خود منجر به توسعه سواد می گردد و متعاقباً دسترسی به رسانه ها را گسترش می دهد.



۱. Sense Of Responsibility

۲. Sense Of Truth & Believe

۳. Sense Of Efficacy



۴۷

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ روش، پیمایشی^۱ و به لحاظ هدف کاربردی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با ۴۷ سؤال و پایایی (۰/۸۳) می‌باشد که روایی آن نیز توسط اساتید و صاحب نظران فن تایید گردید.

واحد تحلیل و مشاهده، فرد پاسخگو است. مکان تحقیق منطقه شش شهر تهران و زمان انجام تحقیق از ۸۷/۲/۱ الی ۸۷/۱۲/۲۵ است. در تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق بنا به اهداف تحقیق از روش‌های آمار توصیفی با بهره‌گیری از جداول توزیع فراوانی با رسم نمودار و شاخص پراکندگی استفاده شده است. برای تعیین و سنجش رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون کای اسکوار (X^2) و ضریب همبستگی فی و ۷ کرامر استفاده شده است. از آنجایی که فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه (کلیه ساکنین بالای ۱۸ سال منطقه ۶ تهران) در دسترس نیست؛ نمونه‌گیری خوشه‌ای مناسب‌ترین روش انتخاب نمونه خواهد بود. برای تعیین حجم نمونه یعنی تعیین افرادی که می‌بایستی مورد مطالعه قرار گیرند از فرمول کوکران استفاده شد.

$$N = 206880 \quad t = 1/96 \quad p = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$N = \frac{206880 * (1/96)^2 * 0/5 * 0/5}{0/05} = 383$$

$$206880 * (0/05)^2 + (1/96)^2 * 0/5 * 0/5$$

زمانی که مقدار واریانس جامعه مشخص نیست مقدار این واریانس در بیشترین حد خود یعنی $p = 0/5$ و $q = 0/5$ در نظر گرفته می‌شود (دواس، ۱۹۹۱؛ سرایی، ۱۳۷۵). محاسبه پایایی^۲ با آلفای کرونباخ نشان داد که مقدار این ضریب برای پایایی پرسشنامه ۰/۸۳ می‌باشد و این نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه این تحقیق است. برای تعیین روایی^۳ پرسشنامه این تحقیق از روایی محتوا استفاده شد که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به کار برده می‌شود و معمولاً توسط افراد متخصص در نوع مورد مطالعه تعیین می‌شود که در اینجا با استفاده از نظرات اساتید و کارشناسان این حوزه، پرسشنامه مورد نظر تایید گردید.

۱. Survey

۲. Reliability

۳. Validity



یافته ها

داده های تحقیق نشان می دهد که از میان ۴۲۱ نفر پاسخگوی این تحقیق حدود ۳۵٪ زن و حدود ۶۵٪ نیز مرد بودند. محل تولد ۵۸٪ از پاسخگویان شهر تهران بوده و مابقی پاسخگویان ۴۲٪ در شهرهایی غیر از تهران متولد شده اند. گفتنی است که محل سکونت تمامی پاسخگویان شهر تهران می باشد. همچنین میانگین سنی پاسخگویان این تحقیق حدود ۳۴ سال و کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن مربوط به مردی ۶۰ ساله است. آزمون آماری خی دو که هر سه فرضیه این تحقیق در سطح ۹۵٪ اطمینان تایید شدند.

فرضیه اول: سطح آگاهی مردم از محتوای طرح امنیت اجتماعی با میزان مشارکت آنان با پلیس در اجرای طرح رابطه دارد.

جدول شماره ۱: توزیع نسبی رابطه میزان آگاهی شهروندان با میزان مشارکت شان با پلیس

		میزان مشارکت			جمع
		خوب	متوسط	ضعیف	
میزان آگاهی شهروندان	تعداد خوب	۲۶۰	۹۳	۶	۳۵۹
	درصد خوب	۷۲,۴	۲۵,۹	۱,۷	۱۰۰
	تعداد متوسط	۱۷	۳۶	۸	۵۱
	درصد متوسط	۲۷,۴	۵۹	۱۳,۱	۱۰۰
	تعداد ضعیف	۰	۱	۰	۱
	درصد ضعیف	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰
جمع	تعداد	۲۷۷	۱۳۰	۱۴	۴۲۱
	درصد	۶۵,۸	۳۰,۹	۳,۳	۱۰۰

$X^2=57/02$

$df=4$

$p=0/00$

براساس داده های جدول فوق از میان ۳۵۹ نفر (۱۰۰٪) از پاسخگویانی که نسبت به محتوای طرح امنیت

اجتماعی از آگاهی خوبی برخوردار بودند، ۲۶۰ نفر (۷۲/۵٪) احتمال میزان مشارکت خود با پلیس در طرح های امنیت اجتماعی را خوب ارزیابی کردند.

آزمون آماری خی دو با ارزش (۷) ۵۷/۰۲، درجه آزادی (df) ۴ و سطح معناداری (P) ۰/۰۰۰ حاکی از وجود

رابطه معنادار بین دو متغیر میزان آگاهی و میزان مشارکت است. به بیان دیگر در



۴۹

حالی که فرض H_0 این آزمون

ادعای عدم وجود تفاوت معنی دار بین فراوانی های دو متغیر را دارد، عدد بدست آمده از کای اسکوئر فرض صفر را رد کرده و بیانگر وجود رابطه معنادار است. ضریب همبستگی گاما ($0/734$) نشانگر میزان این ارتباط است. بدین ترتیب فرضیه وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر تأیید می گردد.

فرضیه دوم: نحوه عملکرد پلیس در برخورد با جرائم مرتبط با طرح ارتقای امنیت اجتماعی با میزان مشارکت مردم با پلیس رابطه دارد.

جدول شماره ۲: توزیع نسبی رابطه بین نحوه عملکرد پلیس با میزان مشارکت مردم با آنان

		میزان مشارکت			جمع
		خوب	متوسط	ضعیف	
میزان آگاهی شهروندان	تعداد خوب	۱۸۱	۳۸	۲	۲۲۱
	درصد خوب	۸۱,۹	۱۷,۲	۹	۱۰۰
	تعداد متوسط	۹۲	۷۸	۶	۱۷۶
	درصد متوسط	۵۲,۳	۴۴,۳	۳,۴	۱۰۰
	تعداد ضعیف	۴	۱۴	۶	۲۴
	درصد ضعیف	۱۶,۷	۵۸,۳	۲۵	۱۰۰
جمع	تعداد	۲۷۷	۱۳۰	۱۴	۴۲۱
	درصد	۶۵,۸	۳۰,۹	۳,۳	۱۰۰

$$X^2=89/76$$

$$df=4$$

$$p=0/000$$

آزمون آماری خی دو با ارزش $89/76$ و درجه آزادی ۴ برابر با $0/000$ شده که حاکی از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر مستقل (نحوه عملکرد پلیس در اجرای طرح امنیت اجتماعی) و متغیر وابسته (میزان مشارکت شهروندان) می باشد. عدد حاصل از کای اسکوئر احتمال تأیید فرض صفر را رد کرده و بیانگر

وجود رابطه معنادار است یعنی هر چه

نحوه عملکرد پلیس در اجرای طرح امنیت اجتماعی از نظر شهروندان بهتر ارزیابی شود، به همان نسبت احتمال

میزان مشارکت شهروندان با پلیس در اجرای هر چه بهتر این گونه بالاتر می رود. ضریب همبستگی گاما بین این دو متغیر ($0/659$) است که بیانگر میزان همبستگی و ارتباط بین دو متغیر است.

فرضیه سوم: چنانچه مردم اقدامات پلیس در اجرای طرح امنیت اجتماعی را در



۵۰

پیوند با منافع عمومی خود ارزیابی نمایند مشارکت آنان در اجرای طرح افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۳: توزیع نسبی رابطه بین منافع فردی و جمعی شهروندان با میزان مشارکت آنان

در طرح امنیت اجتماعی

		میزان مشارکت			جمع
		خوب	متوسط	ضعیف	
میزان آگاهی شهروندان	تعداد خوب	۱۸۱	۳۸	۲	۳۴۴
	درصد خوب	۷۷	۲۲,۴	۶	۱۰۰
	تعداد متوسط	۱۲	۴۹	۱۲	۷۳
	درصد متوسط	۱۶,۴	۶۷,۱	۱۶,۴	۱۰۰
	تعداد ضعیف	۰	۴	۰	۴
	درصد ضعیف	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰
جمع	تعداد	۲۷۷	۱۳۰	۱۴	۴۲۱
	درصد	۶۵,۸	۳۰,۹	۳,۳	۱۰۰

$$X^2 = 127/21$$

$$df = 4$$

$$p = 0/00$$

آزمون آماری کای اسکوئر ارزش ۱۲۷/۲۱ و درجه آزادی ۴ مقدار P برابر با ۰/۰۰۰ داده که حاکی از وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر مستقل و وابسته این تحقیق (فرضیه سوم) است. به عبارت دیگر هر چقدر پاسخگویان ارتباط و معنای قوی تری بین منافع فردی و منافع اجتماعی خود قائل باشند احتمال مشارکت آنان در مسائل مربوطه به محیط اجتماعی و محله زندگی خود بیشتر است. ضریب همبستگی گاما میان این دو متغیر ۰/۸۸۶ می باشد که نشان از همبستگی قوی میان این دو متغیر است.

بحث و نتیجه گیری

داده های این پژوهش نشان می دهد، هر چه سطح دانش و آگاهی شهروندان از موارد شمول طرح امنیت بیشتر باشد احتمال همکاری و مشارکت آنان با نیروی انتظامی نیز بیشتر می شود. چرا که دانش و آگاهی حس مسئولیت شهروندی و شایستگی را افزایش می دهد و نیز باعث بروز ویژگی های شخصیتی مثل اعتماد به نفس و نظم و شکل فکری می گردد. از طرفی بالا بودن سطح سواد و آگاهی



باعث می شود تا فرد بین شقوق مختلفی که در برخورد با یک پدیده می تواند از خود نشان دهد تفاوت قائل می شود و می تواند تفاوت میان مشارکت کردن و بی اهمیت بودن نسبت به اینگونه فعالیت های اجتماعی را بهتر درک کند. به عبارت دیگر هر گاه انسان فکر کند فعالیت و همکاری او در امری بی اهمیت بوده و نمی تواند منشاء تغییرات گردد هرگز وارد آن نمی شود. این امر موید آن است که بین اهمیت دار بودن مساله برای فرد و میزان درگیری او در آن مساله یک رابطه مستقیم برقرار است و هر چه احساس فرد در مورد میزان کارایی همکاری خود ضعیف تر باشد به همان نسبت کمتر ممکن است مشارکت کند.

متقابلا در گیر بودن در امور جامعه و محله از طریق برنامه هایی همچون طرح ارتقای امنیت اجتماعی، احساس کارآمدی فرد را افزایش می دهد. همچنین هر گاه شخص فکر کند که دانش و آگاهی او محدودتر از آن است که بتواند با مداخله اش به پلیس کمک نماید یا اینکه نداند چگونه با آن آگاهی اندک می تواند در اجرای طرح به پلیس کمک کند ترجیح خواهد داد کمتر در این طرح مشارکت نماید.

همچنین هر زمان عملکرد پلیس در برخورد با جرایم و آسیب های مشمول طرح امنیت اجتماعی برای شهروندان عینی و ملموس باشد و مردم آثار امنیت را در سطح جامعه در مقطع زمانی نسبتا معین و پایدار مشاهده نمایند؛ اعتماد بیشتری به کارایی سیستم نشان می دهند. حال چنانچه این عینیت و مشاهده برای جرائمی باشد که برای عموم مردم منفور و یا بسیار خطرناک و آسیب رسان باشد (مثل خرید و فروش مواد مخدر، مزاحمت های خیابانی، نزاع دسته جمعی و خیابانی و اراذل و اوباش) احتمال همکاری شهروندان با پلیس به مراتب بالاتر خواهد بود.

اگر مردم در ارزشیابی های خود متوجه شوند منافعی که از همکاری و مشارکت با نیروی انتظامی بدست می آید از پاداش دیگر فعالیت ها و همکاریها بیشتر است و گرفتاری برای آنها ندارد خود را با احتمال بیشتری در آن درگیر خواهند کرد درست مثل رهگذرانی که با رساندن مصدوم از خیابان به بیمارستان دچار دردسر نمی شوند. برای بسیاری از شهروندان رضایت حاصله از مشارکت با پلیس در طرح ارتقای امنیت اجتماعی به نظر مبهم و ناشناخته است و پاداش های حاصل از این همکاری دور دست و یا نامفهوم است از همین رو، چون برای بسیاری از شهروندان منافع آنی و قطعی حاصل از همکاری با پلیس چندان مشخص نیست لذا تلاشی نیز در این راستا انجام نمی دهند.

از طرفی هر چه مشکلات و دردهای همکاری و مشارکت با پلیس در طرح

امنیت اجتماعی همچون لو رفتن و یا احتمال آسیب و تهدید از سوی بزهکاران و تبهکاران بیشتر باشد؛ احتمال مشارکت مردم در آن طرح نیز کمتر خواهد بود، ولی وقتی بینند و بدانند که گزارش کردن موارد آسیب زا و تهدید رسان به پلیس موجبات بروز هیچگونه ترس و تهدیدی علیه خودش نمی گردد؛ گرایش بیشتری به همکاری و مشارکت با پلیس پیدا می کنند.

مشارکت شهروندان در طرح ارتقای امنیت اجتماعی بیش از همه نیازمند آموزش شهروندان است تا در آنها نگرش، دانش و مهارت مورد نیاز را بوجود آورد. مشارکت، مستلزم داشتن آگاهی های لازم از محتوای طرحهای انتظامی، شیوه های عملکردی پلیس و منافع حاصل از آن است. از طرفی شناساندن اهداف، فواید و اثر بخشی همکاری شهروندان با پلیس از جمله مهمترین موضوعاتی است که در آموزش شهروندان برای مشارکت باید به آنها پرداخت. به عبارت دیگر تمرین مشارکت را باید از آموختن آغاز کرد و این رویکرد مشارکتی از طریق پیوند اعضای جامعه موجب افزایش کارایی پلیس در اجرای طرح می شود

اعتماد شهروندان به عملکرد پلیس به همان اندازه که یک نگرش شخصی است یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز هست که می توان آن را اینجا، داشتن حسن ظن نسبت به پلیس و عملکردش تعریف نمود. از طرفی هر چه مشارکت شهروندان در اجرای طرحهای مربوط به آسیب های اجتماعی بیشتر باشد احتمال بیشتری دارد که منافع فردی و اجتماعی گسترده تری از طریق این همکاری متقابل بدست بیاورند.

در پایان باید گفت مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی در برقراری امنیت اجتماعی از آگاهی و باور آنان به برنامه ها و اهداف پلیس از اجرای طرح و نیز کسب منافع فردی، محلی و اجتماعی، آغاز و با عمل به این باورها تداوم یافته و در پیشگیری از ارتکاب جرم و همکاری با نیروهای مسئول استقرار نظم و تامین امنیت و آسایش عمومی پایان می پذیرد.

پیشنهادات

حل بسیاری از مشکلات جامعه در گرو فراهم ساختن فضای مناسب و سالم فرهنگی-روانی است که در صورت تحقق نسبی آن، شرایط اعتماد و بکارگیری نیروهای بالقوه در جامعه فراهم می شود و چنانچه این فضا بگونه ای باشد که شهروندان به لحاظ روانی آمادگی مشارکت در امور مربوط به خود را نداشته باشند و دچار شک و ناامیدی شوند؛ بدون تردید در مهمترین مسائل اجتماعی مربوط به خود از جمله مقوله امنیت مشارکت نخواهند کرد. در ادامه به برخی از برنامه های



کاربردی جهت افزایش مشارکت شهروندان با پلیس اشاره می شود:

۱. برانگیختن افکار عمومی و سازمان های مسئول در خصوص وضعیت آسیب های اجتماعی و آثار و پیامدهای آنها.
۲. برخورد قاطع نیروی انتظامی با مجرمان و متخلفان و اتخاذ رویکردهای مبتنی بر قانون محور و نه فرد یا گروه محور.
۳. برنامه سازی توسط مرکز اطلاع رسانی و یا واحد رسانه ای و تصویری ناجا که به عنوان وسیله ای مهم در امر آموزش و اطلاع رسانی در خصوص وضعیت امنیتی شهر و آگاه نمودن و آموزش شهروندان در خصوص پیشگیری و مقابله با آسیب ها در حجم وسیع و گسترده می تواند کمک کننده باشد.
۴. آگاه نمودن شهروندان از میزان و دامنه عملکرد و فعالیت های پلیس
۵. ایجاد اطمینان در شهروندان از ثمربخش بودن مشارکت آنان با پلیس به خصوص در مواردی که خود مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و یا مواقعی که شاهد مواردی چون آسیب ها و جرایم اجتماعی هستند.
۶. ایجاد حس اعتماد و اطمینان در شهروندان درخصوص اینکه چنانچه مواردی را به پلیس گزارش دادند برای خودشان از سوی پلیس و یا از سوی منابع گزارش شده، دردسر و گرفتاری ایجاد نشود و این امر صرفاً از طریق آموزش و اطلاع رسانی و ایجاد اطمینان خاطر از سوی مقامات و مسئولین رده بالای پلیس حاصل می شود.
۷. مطمئن نمودن شهروندان توسط فرماندهان انتظامی از موثر بودن پلیس در خصوص موارد اطلاع داده شده به آنان (پلیس)
۸. مقبولیت رفتار و شیوه برخورد نیروی های انتظامی و برآورده شدن انتظارات شهروندان در زمینه ارتقای امنیت محل زندگی و کسب و کارشان می تواند تاثیر بسزایی در میزان مشارکت آنان با پلیس داشته باشد.

منابع

- الیاسی، محمد حسین و احمد رضا رادان. (۱۳۸۷). « طرح ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان ». تهران: نشر فرماندهی انتظامی تهران بزرگ .
- اسکوگان، وسلی، جی. (۱۹۹۴). « مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی ». ترجمه ابراهیم مسعود نیا (۱۳۸۴) . تهران: نشر آشنایی.
- افشین نیا، فرشاد. (۱۳۸۷). « تحلیل کاربردی داده‌ها « راهنمای استفاده از Spss، اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان.
- انصاری، حمید (۱۳۸۰). « پژوهشی در وجهه نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران در مسائل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل موثر بر آن ». جلد اول، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). « فرهنگ علوم اجتماعی ». ترجمه باقر ساروخانی. تهران. نشر کیهان
- جلالی، محمود و پیمان نمایان. (۱۳۸۴). « امنیت عمومی در پرتو مشارکت مردمی ». تهران: فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی ، سال دوم - شماره چهارم و پنجم.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۷۹). « بررسی مشارکت مردم در ایجاد ، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی ». تهران: ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، شماره ۱۴۳/۱۴۴ ، سال ۱۳۸۰.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). « تجزیه و تحلیل جدید سیاست «، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر مرنديز
- دواس، دی ای، (۱۹۹۱)، « پیمایش در پژوهش‌های اجتماعی ». ترجمه هوشنگ نایی، (چاپ دوم، ۱۳۸۱)، تهران: نشر نی.
- سرایی، حسن (۱۳۷۵). « مقدمه‌ای بر نمونه گیری در تحقیق ». (چاپ دوم). تهران: نشر سمت.
- فرمینی فراهانی، فرهاد (۱۳۷۸). « فرهنگ توصیفی علوم انسانی ». تهران. نشر اسرار دانش.
- نمایان، پیمان (۱۳۸۳). « نگرش اجتماعی به رابطه شهرنشینی و جرایم شهری ناشی از آن در باب امنیت شهری ». مجموعه مقالات سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم. دانشگاه تبریز.



- Davidson , G . c etal. (۲۰۰۳). Exploring Abnormal Psychology . New York : John Wiley Press.
- Lerner , D. (۱۹۶۸). The Passing of Traditional Society. New York : Free Press.
- Lipset , s.m. (۱۹۸۸) . (Political Man). New York : Free Press
- Sills , David . (۱۹۶۳). (International Encyclopedia of Social Sciences). Vol : ۱۶ , Mac Millan Press.